



یادداشت

مهدی زارع، روزنامه‌نگار

بن‌بست در ساختار دستگاه دیپلماسی را جدی بگیریم

نمی‌توان این حقیقت را رد کرد که در طول سه دهه گذشته دستگاه دیپلماسی ما در وضعیت بن‌بست به سر برده است. این بن‌بست البته ربطی هم به دولت‌ها و روند کلی حاکمیت ندارد. نهاد دیپلماسی کشور در طول سه دهه گذشته نتوانسته خود را به‌روزرسانی کند و پس از تمام انرژی ابتدایی که از رخ دادن انقلاب گرفت، دچار نوعی اینرسی در برابر هر گونه حرکتی شده است. این بن‌بست خواه ناخواه بزرگ‌ترین آسیب را متوجه خود نهاد دیپلماسی می‌کند. وضعیت فعلی نشان می‌دهد وزارت خارجه عملاً از پروژه‌های مهم کشور کنار رفته است. دیر نیست ببینیم که دستگاه دیپلماسی فقط ویزا صادر کند و بیانیه بنویسد. واقعیت آن است که کشورمان در شرایطی قرار گرفته که ناگزیر از افزایش سرعت حرکت به سمت اهدافش است و در این میان یکی از نهادهایی که سرعت لازم برای این حرکت را ندارد وزارت خارجه است. در نتیجه این کند بودن، کشورهایی که بناست در آینده کشور نقش اساسی داشته باشند، تصمیم گرفته‌اند با نهادهای چابک‌تر و فعال‌تر وارد گفت‌وگو شوند تا با نهادهای که به‌شدت گرفتار بروکراسی، انفعال و عدم تذذب شده است. به عنوان مثال پس از نهایی شدن متن توافق‌نامه چین و ایران، این کشور مهم تصمیم گرفت مستقیماً با نماینده رهبری معظم وارد گفت‌وگوی نهایی شود؛ چرا که تجربه نامطلوبی از دوره اجرایی شدن برجام داشت؛ طبق اخبار متواتر در آن برهه وزارت خارجه تصمیم گرفت عذر شرکت‌های چینی را بخواهد و با شرکت‌های غربی برای اجرا کردن پروژه‌های اصلی وارد گفت‌وگو شود. می‌ای بینیم در همین سال جاری میلادی تعداد سفرهای علی‌لار بجانی به روسیه (به عنوان یک شریک مهم) با سفرهای آقای عراقچی برابری می‌کند. این در حالی است که لاریجانی کمتر از سه ماه رئیس شورای عالی امنیت ملی شده است.

کنار رفتن وزارت خارجه از پروژه‌های اصلی کشور واقعیتی است که هر چه زودتر آن را باید زیر سؤال برد. به فکر چاره‌بری تغییر آن می‌افتیم. بدون شک نخستین دلیل برای رخ دادن چنین حالتی، فرو افتادن دستگاه دیپلماسی در یک بن‌بست چند دهه‌ای است. خروج از این حالت وابسته به خروج از انفعال و ثبات در تصمیم‌گیری در نهاد دیپلماسی است و این خود مقدماتی دارد.

نخستین مقدمه برای این منظور، بازتعریف دستگاه دیپلماسی است. ماهیت وزارت خارجه در جمهوری اسلامی ایران باید دوباره تعریف شود؛ این ماهیت چقدر ثابت است و چقدر به نسبت دولت‌هایی که به قدرت می‌رسند متغیر است؟ اساساً ما موریته‌ها و کارکردهای وزارت خارجه می‌تواند با روی کار آمدن دولت‌ها دچار تغییر شود؟ حتی پرسش مهم‌تر اینکه، ما موریته‌های وزارت خارجه توسط دولت‌ها تعریف می‌شود و تغییر می‌یابد یا دولت‌ها مجازند تنها فرایند اجرای ما موریته‌ها را تعیین کنند؟

دومین مقدمه برای خروج از بن‌بست، بازگشتن شاخص مهم «حفظ و گسترش منافع ملی» به قاموس وزارت خارجه است. نگارنده بنا ندارد وارد دوقطبی‌های مرسوم در فضای موجود شود، اما قصد دارد بگوید شاخص منافع ملی در سه دهه گذشته، مهم‌ترین شاخص تصمیم‌ساز در وزارت خارجه نبوده است.

مقدمه دیگر برای خروج از بن‌بست موجود، به‌روز کردن سرفصل‌های آکادمیک در حوزه دیپلماسی است. البته باید توجه داشت روح حاکم بر متون علمی در این حوزه، حفظ و توسعه منافع ملی باشد. وقتی صحبت از به‌روزرسانی می‌شود منظور به‌روزرسانی قالبی نیست، متون جدید باید متضمن آموزش اصول حفظ و توسعه منافع ملی هم باشد. «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» را برای یک بار هم که شده باید از اینجاشروع کنیم. تا دانش لازم برای دور کردن سایه جنگ از سر کشور با قرائت بومی وجود نداشته باشد در هنگام عمل به دامن راهکارهایی می‌افتیم که توسط غرب نوشته شده و متون غربی خواه ناخواه متضمن منافع غربی است. روح حاکم بر ادبیات آکادمیک باید حفظ منافع ملی کشور باشد تا به بومی‌سازی سرفصل‌های آکادمیک منجر شود.

و اما شاید مهم‌ترین مقدمه در مسیر بازگرداندن دوباره دستگاه دیپلماسی به‌متن، حذف نگاه ملت‌سپاسانه به‌غرب و شرق باشد. در حال حاضر نوعی اعتیاد به شرق و غرب و بیشتر غرب در گرد و بی دستگاه دیپلماسی وجود دارد. اگرچه خروج از این اعتیاد سخت است؛ اما برای چابک شدن و دوباره به متن برگشتن وزارت خارجه باید اتفاق بیفتد. وزارت خارجه هم باید در کنار وزارت اقتصاد یا وزارت کشاورزی یا دیگر ساختارهای اجرایی به این نکته مهم معتقد باشد که راهکار حل مشکلات در داخل کشور است و رسالت اصلی اش فعال شدن بین‌المللی همین ظرفیت‌ها باشد.

فراخبر

هدایت جاوید | برای کسانی که اهل رصد و پایش اخبار سیاسی و حاشیه‌های آن هستند، انتشار تصویری از نشست روز سه‌شنبه گذشته وزیران کشورهای عضو «سازمان همکاری اقتصادی» در تهران جالب توجه بود. در اجلاس مذکور که پس از ۱۵ سال دوباره در ایران برگزار شد، در کنار ۱۰ عضو اکو، حضور مقام ارشد عمانی به عنوان مهمان در گردهمایی که به‌طور معمول هیچ دولت عربی در آن حضور ندارد، به چشم می‌آمد. «حمود بن فیصل آل البوسعیدی» پیش از این رویداد با علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان نیز دیدار کرده بود؛ اتفاقی که بر این گمانه که وزیر کشور عمان حامل پیامی از طرف‌های غربی برای جمهوری اسلامی است، افزود.

تنها چهار روز پس از این رویداد، سفر چندساعته و ناگهانی معاون وزیر خارجه به مسقط پیش از نیش تحلیل‌گران و رسانه‌ها را درباره پشت پرده راینی دیپلماتیک مقامات ایرانی و عمانی در پایتخت‌های یکدیگر به‌اندیشه‌ها داشت و این پرسش را به‌سرخط اخبار کشاند که آیا همسایه جنوبی به دنبال میانجی‌گری دوباره در پرونده هسته‌ای است؟

■ **مسقط، میانجی سنتی گفت‌وگوهای تهران و واشنگتن؟**

رابطه تهران و غرب تحت تأثیر تجاوزهای آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان و پس از آن، فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی اتحادیه اروپا و فروپاشی برجام، در بن‌بست کامل قرار گرفته و این روزها طرف‌های مختلف از جمله مصر

چرا در آغاز طرح ملی جمع‌آوری گازهای مشعل، سردار احمدیان در کنار پزشکیان حضور نداشت؟

جای خالی «قرارگاه پیشرفت»



در این مراسم ۱۲ قرارداد برای اجرای بزرگ‌ترین طرح ملی جمع‌آوری گازهای مشعل در حوزه عملیاتی شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و همچنین فروش گاز مشعل به شرکت‌های بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان به امضا رسید. بر اساس این قراردادها که با مشارکت شرکت‌های داخلی

است؛ اما نخستین آزمون جدی آن را باید در عرصه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دید. آزمونی که گرچه در برخی حوزه‌ها نظیر تداوم سیگنال صدا و سیما با وجود حمله به ساختمان مرکزی آن نمره قبولی گرفت، ولی در بسیاری از عرصه‌ها «نیاز به تلاش بیشتر» داشت. نمود بارز این کاستی در غافلگیری ساختارهای سیاسی و حتی نظامی در برابر حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان بود که مورد اشاره سران نظام و فرماندهان عالی‌هم‌قرار گرفت. علاوه‌بر غافلگیری اولیه، مردم هم با نوعی ره‌اشدگی در دفاع از خود مواجه بودند و فقدان سیستم‌های هشدار سریع و پناهگاه کافی و عدم آموزش پیشینی، نتایج تلخی را آفرید.

در کشوری با سابقه تهدید ده‌ها ساله و با وجود شبکه گسترده آماده‌ای نظیر مساجد و بسیج مردمی، این بلاتکلیفی و بهت‌زدگی تا مدتی ادامه داشت و حتی توصیه‌های معمول ایمنی و پدافندی هم در دسترس مردم نبود و تنها پس از چند روز به تدریج با برخی تلاش‌های خودجوش و مردمی نسبتاً جبران شد.

متأسفانه در داخل نیز، عده‌ای همین عنوان را برای این آیین مذهبی در نظر گرفته‌اند و ابراز نگرانی کرده‌اند. نگران و حساس بودن در داخل، امری طبیعی است و شاید می‌شد با کمی خوش‌سلیقگی در آن کنیسه محترم، از این سوء تفاهم جلوگیری کرد اما پیش از هر چیز باید بدانیم دشمن اسرائیلی، دشمن همه مردم ایران اعم از مسلمان، مسیحی، یهودی، زرتشتی و... است و به عبارتی دقیق‌تر، دشمن انسان! و نباید به سادگی و تنها با استناد به یک ترکیب رنگ که احتمالاً غیرعامدانه هم بوده است، انگ و برچسبی به هم میهنان خود زده و با رنجش آنان و احیاناً ایجاد تنش و اختلاف، آب به آسیاب همان دشمن قسم خورده بریزیم. اما نکته و نقطه اصلی قضیه عبارت است از ابراز خوشحالی و ذوق‌زدگی ساکنان پادگان قتل و اشغال، ارباب‌های طرفدار

نشانه‌ها از رد و بدل بی‌نتیجه پیام میان تهران و مسقط حکایت دارند میانجی‌های سنتی و آمریکایی که فقط زبان جنگ را می‌فهمد

■ **ضرورت هوشیاری دستگاه دیپلماسی**
با این حال معاون وزیر خارجه دیروز ضمن رد این موضوع، در تشریح برنامه‌های دیدار اخیرش با مقامات عمانی در صفحه شخصی‌اش نوشت: «پس از یک سفر کوتاه اما موفق به عمان، به تهران بازگشتم. جلسات مفیدی در مورد مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی داشتم. ما برای مشورت‌های منظم با برادرانمان در عمان ارزش بسیار قائلیم. عمان یک همسایه قابل اعتماد و یک شریک اساسی است و با آن کشور روابط عالی و پیوندهای تاریخی داریم.»
با وجود این پیام صریح تخت‌روانچی در رد مذاکره با غرب، اما با توجه به فکت‌های موجود، موضوع تبادل پیام میان ایران و آمریکا از طریق عمان رخداد عجیب و غریبی نیست. این مسئله در اظهارات اخیر عراقچی قابل رهگیری است. وزیر خارجه ایران دیروز در گفت‌وگو با الجزیره با تأکید بر آمادگی جمهوری اسلامی برای مقابله با هر گونه اقدام متجاوزانه رژیم صهیونیستی گفت: «امکان رسیدن به یک توافق عادلانه وجود دارد اما واشنگتن شروطی غیر قابل قبول و غیرممکن را مطرح کرد... ما تمایلی به مذاکرات مستقیم با واشنگتن نداریم اما می‌توانیم به توافقی برای مذاکرات غیرمستقیم برسیم.»

اقدامی که به‌منظور صیانت از سرمایه‌های ملی، کاهش آلایندگی‌های زیست محیطی و کمک به رفع ناترازی انرژی کشور تعریف شده است، آن هم در قالب یک طرح بزرگ ملی.

کمتر از سه ماه پیش، در نیمه مرداد ماه، رئیس‌جمهور در حکمی «علی‌اکبر احمدیان» دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی را به عنوان نماینده ویژه خود و رئیس قرارگاه پیشرفت طرح‌های ملی و راهبردی کشور منصوب کرد. قرارگاه پیشرفت طرح‌های ملی و راهبردی کشور عنوانی بود که تا پیش از این، وجود خارجی نداشت و صرفاً با همین حکم رئیس‌جمهور تولد یافت. «راهبری و به کارگیری دستگاه‌های حاکمیتی و قابلیت‌های «نهاد مردمی پیشران» در پیشبرد بهنگام و شایسته این طرح‌ها» از وظایفی است که در حکم رئیس‌جمهور برای ریاست این قرارگاه آمده است.

پزشکیان همچنین تأکید کرده «ترکیب و یکپارچگی دو بال دولت و ملت، رفع موانع حضور و مشارکت مؤثر آحاد مردم و ایرانیان خارج از کشور و نیز سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و شکوفاسازی و به ثمر نشاندن ظرفیت‌های مردمی به ویژه جامعه نخبگانی کشور در دستیابی به اهداف کلان قرارگاه» از اهم انتظاراتش از این قرارگاه است.

دو سه روز دیگر، سه ماه از صدور این حکم می‌گذرد و هنوز خبری از فعالیت‌های این قرارگاه یا دست‌های فهرستی از «طرح‌های ملی و راهبردی» که قرار است قرارگاه پیشرفت، آن‌ها را پیگیری کند، منتشر نشده است.

دست‌کم دیروز که یک طرح ملی و تا حدودی راهبردی آغاز به کار کرد، انتظار می‌رفت سردار احمدیان در کنار رئیس‌جمهور حاضر باشد و طرحی را که علی‌القاعده در

زمره حدود کاری او قرار دارد، تشریح می‌کرد.

این حضور نداشتن، در کنار بی‌خبری از سرنوشت این قرارگاه، می‌تواند این شائبه را در آذهان تقویت کند که قرارگاه پیشرفت، بیشتر از آنکه یک قرارگاه عملیاتی باشد، عنوانی است روی کاغذ.

امیدواریم نهاد ریاست جمهوری با انتشار خبری از این قرارگاه، یا ارائه توضیحاتی درباره آن و طرح‌هایی که در این قرارگاه در حال پیگیری است، به شائبه‌ای که جان گرفته، خط بطلان بکشد.

و بین المللی و با رویکرد توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و انتقال فناوری از سوی شرکت‌های خارجی به امضا رسید، طی ۱۸ ماه آینده و با سرمایه‌گذاری بیش از ۸۰۰ میلیون دلار، عملیات جمع‌آوری گازهای همراه نفت (فلر) در گستره عملیاتی مناطق عملیاتی آغاچاری، اهواز، مسجد سلیمان و گچ‌ساران انجام خواهد شد؛

البته باید اذعان کرد ارزیابی دقیق عملکرد سازمان پدافند غیرعامل به‌ویژه در حوزه زیرساخت‌ها نیاز به شفافیت بیشتر و پاسخ‌گویی مکفی دارد؛ هر چند که جایگاه ستادی سازمان موجب ابهاماتی در شفافیت عملکردی و مسئولیت‌پذیری آن می‌شود. در چنین ساختارهایی معمولاً تشکیل کمیته‌های ارزیابی و حقیقت‌یاب می‌تواند کمک‌کننده باشد، ولی متأسفانه تاکنون اقدامی در این راستا انجام نشده است.

اما مهم‌تر از پدافند غیرعامل در عرصه‌های زیربنایی عمومی که به کاهش آسیب‌پذیری در برابر ضربات دشمن کمک می‌کند، لایه راهبردی پدافند غیرعامل است که به بازدارندگی

و جلوگیری از حمله دشمن منجر می‌شود؛ از اصلاح ساختار مدیریتی و حاکمیت رسانه‌ای و مجازی تا حل مسائل پنیادی آید. لایه راهبردی و سرانجام اصلاح خطای محاسباتی دشمن. این لایه را با سرفصل «کاهش طمع کشورهای تهدیدکننده متخاصم» در اهداف کلان سازمان نیز می‌توان دید. جنگ اخیر نشان داد برخلاف تصورات رایج در سیاست خارجی که تنش‌زایی، نمایش قدرت، پرهیز از گفت‌وگو و

اسرائیل در فضای مجازی و کارکنان واحد ۸۲۰۰ باید بدانند یهودیان ایران بخشی تاریخی و کهن از این سرزمین دیرینه‌اند و همین که با افتخار ساکن این بوم و دیار هستند و پاسپورت جمهوری اسلامی ایران را دارند، یک نشانه قاطع از این واقعیت است که آن‌ها رژیم کودک‌کش صهیونیستی را نه کشور پیروان راستین حضرت موسی (ع) که موجودیتی غاصب و اتفاقی دشمن اصلی یهودیان می‌دانند. همانان که قرن‌های متعادی، با وجود تمامی اختلافات و تفاوت‌ها، در کنار مسلمانان و مسیحیان، به عنوان پیروان یکی از ادیان توحیدی در جنوب غرب آسیا زیسته و امروز، به واسطه جنایت‌های همان فرقه تبهکار صهیونی، شانه به شانه برادران و خواهران خود در ایران، صفی یکپارچه علیه این مولود پلید استعمار تشکیل داده‌اند. ادعایی که در جریان همین جنگ اخیر نیز به وضوح مشاهده شد و بزرگان،

خاکام‌ها و نمایندگان آیین حضرت کلیم(الله(ع)، پشت میهن راستین خود، یعنی ایران عزیز ایستاده و موجبات خشم متجاوزان را فراهم کردند. داستان، همان ابزار قدرتمند رسانه است که می‌تواند از یک جشن ساده، یک روایت دلخواه بسازد که البته این بار، این تیر به سنگ خورده است. یهودیانی که در ایران ساکن‌اند، چه آنان را «یهودی ایرانی» بنامیم چه «ایرانی یهودی»؛ دست‌کم در یک مورد با هوطنان خود مشترک‌اند و آن عبارت است از مام میهن! که اگر این نبود؛ ما امروز نباید شاهد حضور معنادار و چشمگیر آن‌ها در تمام مناسبات اجتماعی از سیاست و اقتصاد، تا فرهنگ و هنر این مرز و بوم می‌بودیم. آنجا که ما پیش از ابراز دین و آیین خود، به زبانی مشترک، در جغرافیایی یکپارچه خود را ایرانی می‌دانیم و سپس مسلمان، یهودی، مسیحی و...

این سخنان نشان می‌دهد مقامات کشورمان با وجود بدبینی شدید به رویکرد دیپلماتیک به‌ویژه در رابطه با دولت ترامپ، با این نوع موضع‌گیری اعلام می‌کنند پنجره مذاکره را کامل نبسته‌اند. با این حال، پیش‌تر مجید تخت‌روانچی در کنفرانس خبری در عمان اعلام کرد: «دولت ترامپ آمادگی برای مذاکره بر اساس اصل برابری نشان نمی‌دهد که این مسئله ایران را وادار می‌کند هیچ توجیهی را برای ادامه مذاکرات در سایه شرایط کنونی نبیند». این یعنی طرف‌های غربی با وجود تلاش‌ها و گام‌های مثبت کشورمان، گفت‌وگو را ادامه مسیر جنگ برای تحمیل خواسته‌های خودمی‌پنندد و تا یکپدر خواسته‌های زیاده‌خواهانه عملاً روند‌های دیپلماتیک را به بن‌بست کشانده‌اند. آن‌ها ولی با چوانداختن و تبلیغ اینکه به دنبال مذاکره با تهران هستند - و با پیش‌بینی به شکست انجامیدن میانجی‌گری احتمالی عمان - این را برجسته‌کنند که جمهوری اسلامی بوده که آن را نپذیرفته است. این گونه پازل توطئه علیه کشورمان چیده شده و می‌تواند بهانه‌ای برای فشار بیشتر بر ایران قرار گیرد.

گری دیروز روزنامه اسرائیلی دیدیوت آحرانوت در همین زمینه قابل تعریف است. این رسانه در راستای مدیریت فشار علیه ایران می‌نویسد: «تهران مسیر خود را تغییر نداده و نخواهد داد. حفظ گزینه هسته‌ای، بازاریابی توان نظامی و ادامه حمایت از محور مقاومت از نگاه مقامات عالی‌رتبه تهران، نسبت به گذشته حتی ضروری‌تر از پیش است. اسرائیل اما در این شرایط نباید عقب‌نشینی کرده بلکه باید به‌رهمرداری خود ادامه داشته باشد».